

## Investigating the Impact of Leaving Sin on Mental Health Care

Seyed Rasool Hosseini Kohestani \*<sup>1</sup> 

1 4th Level of Seminary, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

### Abstract


Various sciences such as medicine, psychology, sociology, history, ethics, etc., each of them look at humans from a specific angle and study them. Therefore, in any science, including medicine, what constitutes the subject of that science and forms the basis of the problems of that science depends on the definition of that science of the nature and essence of man. Therefore; it is very important to look at human nature in the recognition of disease and its prevention and treatment. The present research, with descriptive analytical method and referring to library sources, aims to investigate the impact of non-material factors such as disobeying divine orders and moral vices in depriving mental health from the point of view of Islam. The findings of this research show; there are two general views about human nature: material and divine. Now; in medical sciences, in all three areas of disease recognition, prevention and treatment, depending on the acceptance of one of the two mentioned points of view, the data and, accordingly, the results will vary. It is obvious that, rejecting metaphysical dualism, the materialist view in medical studies defines its scope of research only on the axis of material and experimental factors and in opposite; the divine perspective considers the scope of the mentioned studies beyond material factors and includes non-material and spiritual factors as well. As a result: by assuming the divine perspective, it is shown that the causes of disease go beyond material factors and include non-material factors as well, and sin and disobedience to divine orders and moral vices have a direct effect on causing some diseases And on the contrary, observing religious and moral principles has an effect on maintaining and sustaining the health of the body as a cage of the soul.

**Keywords:** Sin, Illness, Spiritual Health, Mental Health, Spiritual Care, Religious Prevention

\*Corresponding Author: Seyed Rasool Hosseini Kohestani, Tel: +98(17)32450107

Cite this article as: Hosseini Kohestani SR. [Investigating the Impact of Leaving Sin on Mental Health Care]. The First National Seminar of Islam and Health. Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran. Oct 2023. J Gorgan Univ Med Sci. 2023; Special Issue: 7-13. [Persian]

## تأثیر ترک گناه بر مراقبت از سلامت روان

سیدرسول حسینی کوهستانی\*<sup>۱</sup> 

۱ سطح ۴ حوزه علمیه، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

### چکیده

علوم مختلف مانند پزشکی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، اخلاق و... هر کدام از زاویه‌ای خاص به انسان نگریسته و درباره آن به مطالعه می‌پردازند. بنابراین، در هر علمی، از جمله پزشکی، آنچه موضوع آن علم را می‌سازد و اساس مسائل آن را شکل می‌دهد، بستگی به تعریف آن علم از ماهیت و ذات انسان دارد. از این رو؛ توجه به ماهیت انسان در شناخت بیماری و پیشگیری و درمان آن بسیار مهم است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، تأثیر عوامل غیر مادی مانند سرپیچی از دستورات الهی و رذایل اخلاقی را در سلب سلامت روان از دیدگاه اسلام بررسی می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد؛ درباره طبیعت انسان دو دیدگاه کلی وجود دارد: مادی و الهی. در علوم پزشکی، در هر سه حوزه تشخیص بیماری، پیشگیری و درمان، بسته به پذیرش یکی از دو دیدگاه ذکر شده، داده‌ها و به تبع آن نتایج متفاوت خواهد بود. بدیهی است که دیدگاه مادی در مطالعات پزشکی، با رد دوگانگی متافیزیکی، حوزه تحقیق خود را تنها بر محور عوامل مادی و تجربی تعریف می‌کند اما در مقابل، دیدگاه الهی دامنه مطالعات مذکور را فراتر از عوامل مادی دانسته و عوامل غیر مادی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد. در نتیجه؛ با فرض دیدگاه الهی، علل بیماری‌ها فراتر از عوامل مادی، عوامل غیر مادی را نیز شامل می‌شود و تأثیر گناه یا همان سرپیچی از دستورات الهی و رذایل اخلاقی در ایجاد برخی بیماری‌ها اثبات و در مقابل، تأثیر رعایت موازین دینی و اخلاقی در حفظ و استمرار سلامت جسم - به عنوان کالبد روح - نیز ثابت می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** گناه، بیماری، سلامت معنوی، بهداشت روان، مراقبت معنوی، پیشگیری دینی

\* نویسنده مسؤول: سیدرسول حسینی کوهستانی

نشانی: گرگان، بلوار هیرکان، مجموعه آموزش عالی فلسفی، دانشکده پزشکی، گروه معارف اسلامی، تلفن ۰۱۷-۳۲۴۵۰۱۰۷

## مقدمه

بیماری واقعیت تلخی است که وجود آن در زندگی بشر غیر قابل انکار بوده و مجموعه گسترده‌ای از علوم، که امروزه ذیل عنوان علوم پزشکی طبقه‌بندی شده‌اند، همگی در راستای پیشگیری از وقوع این واقعیت تلخ و درمان آن به وجود آمده‌اند. در این بین اما آنچه به مثابه یک اصل بیش از همه چیز شایسته توجه و اهتمام نظر است و باید در شناخت بیماری، پیشگیری و درمان آن مورد توجه قرار گیرد چیستی انسان است از آن رو که بیماری و همه مسائل مرتبط با آن همگی از عوارض ماهیت وجودی به نام انسان هستند، در واقع علمی مانند پزشکی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و اخلاق هر کدام از زاویه‌ای خاص به انسان می‌نگرند و او را مورد مطالعه قرار می‌دهند و لذا از منظر این علوم و از جمله پزشکی آنچه موضوع سازی کرده و زیربنای مسائل آن علم را شکل می‌دهد در گرو تعریف آن علم از ماهیت و چیستی انسان است. درباره ماهیت انسان نیز در مجموع دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه مادی که انسان و مجموعه هستی را با ماده مساوی پنداشته یا دست کم انسان را پدیده‌ای کاملاً مادی تلقی می‌کنند در مقابل دیدگاه الهی، که اضافه بر بعد مادی، بعدی غیرمادی را نیز جزئی از ماهیت انسان دانسته و او را ماهیتی مرکب از روح و جسم تعریف می‌کنند. حال؛ در علوم پزشکی نیز در هر سه حوزه شناخت بیماری، پیشگیری و درمان آن بسته به پذیرش یکی از دو دیدگاه مذکور در ماهیت انسان، داده‌ها و به تبع آن نتایج متعدد و گوناگونی خواهیم داشت. بدیهی است که دیدگاه مادی با رد هرگونه دوگانگی متافیزیکی، در مطالعات پزشکی دائره تحقیقات خود را تنها بر محور عوامل مادی و تجربی تعریف می‌نماید و در مقابل از نظر دیدگاه الهی، دائره مطالعات مذکور فراتر از عوامل مادی و تجربی شامل عوامل غیرمادی و روحانی نیز می‌گردد. از همین رو تحقیق حاضر با پیش فرض دیدگاه الهی، عوامل بیماری را فراتر از عوامل مادی دانسته و در صدد بررسی تاثیر عوامل غیر مادی مانند گناه و نافرمانی از دستورهای الهی و صفات رذیله اخلاقی در ایجاد برخی از بیماری‌ها و اثبات اثرگذاری رعایت اصول مذهبی و اخلاقی در حفظ و پایداری سلامت جسم به عنوان کالبد در برگیرنده روح است.

از آنجا که در عصر حاضر، مطالعات و تحقیقات پزشکی عمدتاً بر محور شناخت و بررسی عوامل مادی و تجربی مرتبط با بیماری‌ها انجام می‌گردد، در حوزه عوامل غیر مادی علی‌رغم تحقیقات انجام شده، ضرورت پژوهش‌هایی از سنخ تحقیق پیش‌رو واضح است زیرا؛ از سویی نفس آدمی خواهان ارضای نیازهای غریزی خود به هر شیوه ممکن است (قیامت/ ۵) و از سوی دیگر پیشرفت‌های خارق‌العاده علوم مرتبط با بعد مادی انسان در عصر حاضر، رشد و تقویت مادیگرایی را موجب شده و به دنبال خود انسان امروز را از

توجه به تعالیم و آموزه‌های معنوی و روحانی غافل ساخته است و لذا شناخت آثار وضعی گناهان و تاثیر مخرب آنها بر سلامت روح و به تبع آن بر جسم انسان به خوبی روشن می‌شود.

## چیستی گناه

گناه واژه‌ای فارسی معادل واژه «ذنب» در زبان عربی - به عنوان زبان اصلی متون دین اسلام - است و هر رفتار مخالف با فرمان خداوند را در بر می‌گیرد (۱). در نصوص و منابع دینی علاوه بر واژه ذنب (۲) واژگان مشابهی مانند معصیت (۳)، اثم (۴)، جرم (۵)، سیئه (غافر/ ۴۰)، خطیئه (اسراء، ۳۱) فسق (کهف/ ۵۰) و فجور (انفطار/ ۱۴) نیز در معنای گناه به کار رفته است.

از منظر دین (۶)، به هنگام سخن از چیستی گناه، غالباً گناهان در قالب دو دسته بندی ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

**گناهان کبیره (بزرگ) و گناهان صغیره (کوچک):** در آیه ۳۱ از سوره نساء آمده: «اگر از گناهان کبیره اجتناب کنید، گناهان صغیره شما را می‌پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می‌سازیم». ذیل این آیه، تفسیرهای متعددی درباره ملاک کبیره یا صغیره بودن یک گناه، بیان شده است. برای نمونه در الکافی (۷) گناهی کبیره دانسته شده که خداوند به مرتکب آن، وعده عذاب داده است و یا بنابر آنچه در تحریرالوسیله آمده (۸) گناهی کبیره است که دست کم یکی از این ملاک‌ها در آن وجود داشته باشد دارد: به مرتکب آن وعده آتش دوزخ داده شده، نهی غلیظ و شدید خداوند از آن، حکم عقل بر بزرگ بودن آن گناه، وجود دلیل عقلی یا نقلی دال بر بزرگتر بودن یک گناه از بعضی گناهان کبیره، هر گناهی که عرف متدینان آن را کبیره به حساب آورند و گناهانی که در احادیث معصومان (ع) به کبیره بودنش تصریح شده است.

البته پاره‌ای از گناهان بنابر آیات قرآن، بدون تردید از گناهان کبیره محسوب می‌گردند مانند: شرک به خداوند متعال (مانده ۷۲)، نومیدی از رحمت الهی (یوسف/ ۸۷)، احساس ایمن همیشگی از قهر و عقوبت الهی (اعراف/ ۹۹)، قتل نفس محترم (نساء/ ۹۳)، خوردن مال یتیم (نساء/ ۱۰)، رباخواری (بقره/ ۲۷۵)، زنا (فرقان / ۶۸ و ۶۹)، ترک زکات (توبه / ۳۵) و ترک نماز (مریم / ۵۹).

**گناهان آشکار و پنهان:** در آیه ۱۲۰ از سوره انعام آمده: «و گناه را چه آشکار باشد و چه پنهان، ترک کنید». گناهان آشکار، گناهانی‌اند که در قالب رفتارهای بیرونی و قابل مشاهده بروز و ظهور می‌یابند مانند سرقت، غیبت، دروغ، فحاشی و ناسزاگویی، عیب جویی از دیگران، نگاه به نامحرم، گوش دادن به سخنان بیهوده و در مقابل گناهانی که ظرف تحقق آنها درون ذهن و اندیشه انسان است مانند شرک به، خدا، کفر، نفاق، سوء ظن و... گناه پنهان و یا باطنی محسوب می‌گردند (۹).

## گناه و تهدید سلامت روان

رفتارهای انسان، نیک یا بد، بر روح و روان تاثیر گذارند. در آیه ۹۷ از سوره نحل آمده: «هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مومن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم» و یا در آیه ۱۴ از سوره مطففین آمده: «چنین نیست که آنها می‌پندارند بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است». نظر بر این تاثیرات ایجابی و سلبی ترک گناه و یا انجام آن بر روح و روان انسان، در احادیث نیز گناهان درد - و به تبع آن بیماری - محسوب شده‌اند و در همین زمینه از امام صادق (ع) هم نقل شده: «هیچ چیز به اندازه گناه، قلب [یا همان مرکز احساسات و عواطف انسانی] را فاسد نمی‌کند» (۱۰).

در حدیثی از امام باقر (ع) به روشنی فرآیند تاثیر سلبی گناه در بهداشت روانی تشریح شده است. ایشان می‌فرماید: «در قلب هر بنده ای نقطه سفیدی وجود دارد چون گناهی کند، نقطه سیاهی در آن پدیدار شود. اگر توبه کند آن سیاهی برطرف می‌شود و اگر در گناه فرو رود و ادامه دهد سیاهی قلب زیاد می‌شود تا اینکه تمام سفیدی قلب را می‌پوشاند هرگاه سفیدی پوشیده گردد، چنین قلبی هیچ گاه به خیر باز نخواهد گشت» (۱۱).

از عوامل نامحسوس اما اثرگذار مهم دیگر گناهان در سلب بهداشت روحی و روانی انسان، ناچیز انگاری تاثیراتی است که به دنبال ارتکاب گناهان کوچک در روح انسان پدیدار می‌گردد زیرا شخص مرتکب به دلایل متعدد، کوچکی گناه را به غلط مساوی با عدم تاثیر آن تلقی نموده و به تبع، بر انجام آن گناه جرئت و سپس عادت می‌یابد و ناخواسته اسباب سلب آرامش روحی و روانی خود را فراهم می‌آورد و از همین روست که در حدیثی گفته شده: «بزرگترین گناه آن است که مرتکب آن را کوچک بشمارد» (۱۲) و یا: «بترسید از گناهان کوچک» (۱۳). گذشته از آنکه عادت حاصل از این اصرار، با رسوخ در عمق ذهن و روان انسان، موجبات سلب همیشگی آرامش روحی و روانی فرد گناهکار را موجب می‌گردد و به تبع خود اختلالات متعدد جسمی و روانی را به دنبال خواهد داشت و لذاست که در تحذیر از این نحوه عادت یابی در الکافی از امام باقر (ع) روایت شده است: «همه گناهان بدند اما بدترین آنها، گناهی است که بر آن گوشت و خون بروید» (۱۴).

در نتیجه باید گفت: هرچند انسان به عنوان یک موجود مختار قدرت نادیده گرفتن گناه را داراست اما به دلیل آثار وضعی و تکوینی گناهان که خارج از اراده و اختیار انسان است - فارغ از توبه و استغفار - هرگز نمی‌تواند از آثار زیانبار گناهان رهایی یابد و به هر میزان که آدمی هنجارها و ارزش‌های دینی را زیر پا بگذارد، به همان نسبت خویشتن را به طور مزمن در معرض زندگی فاقد آرامش حقیقی و همیشگی قرار می‌دهد: «او هرکس از یاد من روی گردان

شود، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت» (طه / ۱۲۴).

## گناه و تهدید سلامت جسمانی

برخی از حالت‌های روانی گناه در وضع جسمانی فرد ظاهر می‌شود. بنابراین، چنان که یک بیماری کبدی علائم مختلفی بر پوست، بدن چهره رنگ، چشم فشار خون و... دارد، فرد گناهکار نیز به دنبال انجام یک گناه شاهد بروز آثار و نشانه‌هایی در ظاهر و رفتار خود خواهد بود که در بررسی منابع دینی می‌توان آنها را اینگونه برشمرد:

**اختلال خواب:** ناراحتی‌های فکری و تشویش خاطر در زندگی بشر یکی از بزرگترین عوامل تیره روزی و بدبختی است کسانی که بر اثر ترس، حقارت، شکست، ناامیدی، ضعف نارسایی و نظایر اینها نگران و مضطربند و از احساس آن حالات روانی همواره رنج می‌برند. اگر در فکر درمان خویش نباشند و خود را از فشارهای سنگین و طاقت فرسای او خلاص نکنند زندگی بر آنان تلخ و غیرقابل تحمل خواهد بود و ممکن است سرانجام به عوارض گوناگون دچار شوند. زیرا بدن آدمی تحت تاثیر حالات روان است. کسی که دچار نگرانی و تشویش خاطر است و در ضمیر خود احساس ناراحتی و بیقراری می‌کند خواه ناخواه این حالت روانی آثار نامطلوبی روی بدن او می‌گذارد و جسم وی را از مسیر سلامت و اعتدال منحرف می‌کند. به همین جهت اختلال خواب یکی دیگر از پیامدهای رایج دیگر گناه است. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «گناهکار مبتلا به بدخوابی می‌شود» (۱۵).

نظر به احادیثی که می‌گویند: «مرضی برای قلب دردناکتر از گناهان نیست» (۱۶) و یا: «تا زمانی که معصیتی برای مومن وجود دارد غم و اندوه هم همراه اوست» (۱۷) می‌توان گفت: در اسلام چون گناه در تقابل با کمال طلبی فطری انسان است لذا عامل اصلی سلب آرامش روان نیز هست و از آن جهت که وجدان در وجود آدمی قابل انکار نیست، این قوه عظیم در لحظات رهایی از قید و بند غفلت، همواره شخص گناهکار را سرزنش نموده و جوی پرتلاطم را در وجودش ایجاد می‌کند، حالتی که لازمه لاینفک گناه بوده و هرگز از آن جدا نمی‌گردد هرچند ممکن است زمان‌هایی در حالت کما بوده و بدون بروز و ظهور باشد.

**اختلال در رفتارهای اجتماعی:** بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی زاینده گناهان هستند. در قرآن (مائده / ۲۹-۲۷)، گناه نشأت گرفته از رذیله اخلاقی حسد، به عنوان عامل اصلی یکی از بزرگترین ناهنجاری‌های اجتماعی معرفی شده است که همان ارتکاب اولین قتل در عالم انسانی از سوی شخص قایبل است. علاوه بر حسد نقش سایر رذائل اخلاقی نیز در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی کاملاً بدیهی و بی‌نیاز از توضیح بیشتر است رذائلی مانند کبر و غرور، حرص و آز.

## گناه و تهدید سلامت روانی

**کاستن از عزت نفس:** در اسلام، گناه و نافرمانی از فرامین الهی موجب تنزل جایگاه و منزلت انسان می‌گردد و دوری کردن از گناه و معصیت، ارزش و حرمت بالایی دارد و به دنبال خود، موجب کسب عزت نفس می‌گردد همانگونه که در حدیثی نبوی آمده: «خدای تعالی هر روز می‌فرماید: من پروردگار عزیز شما هستم. پس هر کس خواهان عزت دو جهان است باید که از خدای عزیز اطاعت کند» (۱۸) و در مقابل، گناه، آفت عزت نفس معرفی شده و روایات به صراحت بیان می‌کنند گناه موجب تنزل حرمت و منزلت گنهکار شده و وی را نزد دیگران خوار و رسوا می‌سازد: «هرکس با گناه و از طریق آن لذت‌جویی کند، خداوند او را خوار و ذلیل می‌نماید» (۱۹). تحقیقات نیز نشان می‌دهد افرادی که رفتارهای مذهبی انجام می‌دهند، از حرمت و عزت نفس بالاتری برخوردارند (۲۰). در مقابل، پژوهش‌های متعددی نیز رابطه بین گناه و کاهش عزت نفس را نشان می‌دهند (۲۱). به همین جهت چنین افرادی عزت نفس خویش را از دست داده و احساس بی‌ارزشی خواهند داشت. کاهش عزت نفس نیز زمینه آسیب‌های روانی، به ویژه افسردگی، را فراهم می‌آورد و بسیاری از روان‌شناسان فقدان عزت نفس را ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های روانی می‌دانند و در بررسی‌های انجام شده بر روی افراد با عزت نفس پایین، علایمی همچون افسردگی، اضطراب، کاهش عملکرد و مشکلات بین فردی را گزارش داده‌اند (۲۲) از همین روست که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «نفس خویش را عزیز بشمار و به هیچ پستی و دنائتی تن مده، گرچه عمل پست، تو را به تمنیات برساند؛ زیرا هیچ چیز با عزت نفس برابری نمی‌کند» (۲۳).

**درد و رنج:** آدمی بدنبال سعادت است، هر چیزی که آسایش و آرامش او را بهم بزند، مانع کسب سعادت می‌شود. آرامش و آسایش خاطر تنها در سایه ایمان به خدا و توجه به او و بی‌توجهی به دنیا بدست می‌آید. اضطراب، افسردگی و ناراحتی‌های روانی در زندگی، بشر یکی از پیامدهای اصلی گناه است. در برخی موارد درد و رنج و اندوه چنان بر زندگی گناهکار حاکم می‌شود که او دیگر از هیچ چیز احساس لذت نمی‌کند: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت» (طه/ ۱۲۴) زیرا انسان وقتی گناهی مرتکب می‌شود، وجدان اخلاقی که قرآن آن را «نفس لوامه» نامیده (قیامت/ ۲)، او را مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهد و با ضربات پی‌گیر خود بر روح و فطرت، آرامش روحی را از صاحب آن می‌گیرد در روایتی از امام علی (ع) نیز آمده: «کسی که خود را از شهوات سرزنش نکند در دریای حسرت و اندوه در افتد... و چه بسا یک ساعت لذت مایه اندوه و غصه دراز مدت می‌گردد» (۲۴).

**پردازش نامناسب اطلاعات:** در آموزه‌های دینی، واژه قلب جایگاه ویژه‌ای دارد. قلب مهم‌ترین سرمایه انسان است که سعادت و شقاوت وی به آن بستگی دارد. علامه طباطبائی درباره چستی قلب می‌نویسد: «در حقیقت، قلب همان جان آدمی است که با قوا و عواطف باطنی که مجهز است، به کارهای حیاتی خود می‌پردازد، و لکن بیشتر در قرآن کریم در آن چیزی که آدمی به وسیله آن درک می‌کند، استعمال می‌شود» (۲۵). در قرآن نیز هدایت از آن کسانی است که دارای قلب سلیم باشند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ؛ در این هلاک پیشینیان پند و تذکر است آن را که قلب هوشیاری داشته باشد» (ق/ ۳۷).

از قرآن کریم و احادیث استفاده می‌شود همان‌گونه بدن انسان گاهی سالم و گاهی بیمار است، قلب او هم گاهی سالم و گاهی بیمار می‌شود: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛ روزی که مال و پسران برای انسان سودی ندارند، مگر کسی که با قلب سالم به سوی خدا برود» (شعراء/ ۸۸-۸۹) و: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَّادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا؛ در دل‌های ایشان بیماری (جهل و عناد) است. خدا بر بیماری آنها بیفزاید.» (بقره/ ۱۰). آنچه موجب تباهی و بیماری قلب می‌شود نیز طبق آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)، اعمال غیرصالح و گناهانی است که انسان مرتکب می‌شود: «كُلًّا بَلَّ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ چنین نیست، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر قلب‌هایشان نشسته است» (مطففین/ ۱۴). در برخی روایات، به صراحت مهم‌ترین عامل تباهی قلب، گناهان معرفی شده است همانگونه که در الکافی آمده: «چیزی بیش از گناه، قلب را فاسد نمی‌کند» (۲۶).

زمانی که قلب فردی در اثر گناه بیمار شود، دچار اختلال تفکر نیز می‌گردد و در آموزه‌های دینی، گفته شده است که گناهان آدمی را به کفر می‌رساند و کفر نیز به سبب انکار ربوبیت خداوند و به تبع آن انکار دادگاه عدل الهی در قیامت موجب تشدید ارتکاب گناهان می‌گردد: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ آنگاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می‌گرفتند» (روم/ ۱۰).

اختلال در عملکرد شناختی ویژگی دیگر بارز گناه است. بر حسب نشانه‌شناسی روایات، در افراد گناهکار فراموشی پدید می‌آید: «همانا بنده [گاه] گناه می‌کند و به سبب آن، دانشی را که آموخته بود، فراموش می‌کند» (۲۷). هم چنین جریان فکر در افراد گناهکار منحرف می‌شود به گونه‌ای که دیگر قادر به تشخیص حقیقت نخواهند بود. خداوند متعال نیز در قرآن، گناه را سبب سلب قوه روشن بینی قلب معرفی می‌کند: «وَطُغِيَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؛ و بر دل‌هایشان مهر زده شده است، در نتیجه قدرت درک ندارند» (توبه/

دگرگون و حتی موجب مسخ شخصیت نیز می‌گردد. در حدیثی از امام باقر(ع) که در آن قلوب به سه دسته از انسان‌ها تشبیه شده، به روشنی می‌توان به مسخ شخصیت انسان‌هایی پی برد که به دلیل کفر، از هرگونه خیر و برکت، تهی و پوچ گشته‌اند. در حدیث مذکور آمده: دل وارونه که هیچ خیر و خوبی در آن جای ندارد و آن دل کافر است؛ دلی که در آن نقطه سیاهی است، خوبی و بدی در آن با هم در کشمکش اند تا یکی بر دیگری چیره شود؛ دلی که باز و گشاده است و در آن چراغ‌هایی تابناکی است که نورش تا روز رستاخیز خاموش نگردد و آن دل مؤمن است» (۳۰). شاید بتوان از این روایت بهداشت روانی مربوط به تیپ‌های مختلف شخصیتی را به دست آورد به نحوی که هر اندازه ارتکاب گناه از سوی فردی بیشتر سرزند نشانه آن است که سلامت روانی او بیشتر آسیب دیده است.

**کاهش شادکامی:** شادکامی از نیازهای روانی بشر است که تأثیر عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی دارد. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که میان پای بندگی به دستورات دینی و شادکامی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ هر قدر افراد به تکالیف دینی بیشتر عمل می‌کنند شادی را بیشتر در زندگی تجربه می‌کنند.

در متون دینی، ایمان و عمل صالح موجب شادکامی معرفی شده: «فَمَنْ آتَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می‌شوند» (اعراف/۳۵) و از سوی دیگر، حزن و اندوه از عوارض گناه: «چون گناه بنده بسیار گردد و چیزی از کردار (نیک) نداشته باشد که آن را جبران کند و کفاره آنها شود، خداوند او را به اندوه گرفتار سازد تا کفاره گناهانش گردد» (۳۱) و: «چه بسا اندک شهوتی که اندوه و غمی طولانی به بار آورد» (۳۲). بنابراین تردیدی نیست که گناه شادکامی انسان را به مخاطره می‌اندازد.

در منابع غیر اسلامی نیز تحقیقات نشان می‌دهد پایبندی به مذهب، یکی از عوامل شادکامی است و ایمان مذهبی، اهمیت به مذهب، و سنت‌گرایی مذهبی معمولاً با شادمانی همبستگی دارد و میان حضور در کلیسا و شرکت در گروه‌های مذهبی و ارتباط آن با شادمانی رابطه مثبتی وجود دارد و افراد مذهبی پس از طلاق، بیکاری، بیماری جدی یا سوگ، قادرند نسبت به گروه کنترل، شادمان تر باقی بمانند (۳۳). در مقابل، پژوهش‌های دیگری نشان می‌دهند پایبندی به رفتارهای دینی شادکامی را کاهش می‌دهد؛ برای نمونه تحقیقی که ثابت می‌کند میان ضعف پایبندی به حجاب با افسردگی و غمگینی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (۳۴) و یا تحقیق دیگری که نشان می‌دهد دختران بدحجاب در مقایسه با دختران با حجاب، رضایت کمتری از زندگی دارند (۳۵).

### پیشگیری از گناه

در مواجهه با گناه، برای مصونیت از ارتکاب و یا رفع آثار سوء آن

۸۷). در چنین شرایطی، انسان حق و باطل، زشتی و زیبایی، خوبی و بدی را تشخیص نمی‌دهد: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ؛ آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟» (جاثیه/۲۳). درحقیقت این آیه اشاره به این مطلب دارد که هواپرستی سبب می‌شود تا انسان هوسران به تدریج به بیماری مبتلا شود و در این صورت گوش عقل و دل او مهر و موم شود و دیده بصیرت وی کور گردد. هنگامی که خداوند راه‌های شناخت را بر انسان مسدود کرد، دیگر هیچ کس نمی‌تواند او را هدایت و راهنمایی کند.

بنابراین، گناهان بر حس تشخیص و درک و دید انسان اثر می‌گذارد و سرانجام کار به جایی می‌رسد که چشم دارد اما گویی نمی‌بیند و گوش دارد اما گویی نمی‌شنود و حس تشخیص و قدرت تمیز که یکی از شاخص‌های سلامت روانی است، در اثر گناه از بین می‌رود (۲۸).

**قساوت قلب:** یکی از پیامدهای گناه قساوت قلب است خداوند می‌فرماید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ دل‌های شما بعد از این واقعه [معصیت] سخت، شد همچون سنگ یا سخت‌تر از آن؛ چراکه پاره‌ای از سنگها می‌شکافد و از آن نهرها جاری می‌شود و پاره‌ای از آنها شکاف بر می‌دارد و آب از آن می‌تراود و پاره‌ای از خوف خدا از فراز کوه] به زیر می‌افتد [اما دل‌های شما (در اثر گناه) نه از خوف خدا می‌تپد و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است و خداوند از اعمال شما غافل نیست» (بقره/۷۴)

در این آیه خداوند دل‌های سخت و انسان‌های فرو رفته در گناه را به سنگ‌های سخت کوهستانی تشبیه نموده است تأثیر ناپذیری انسان از آیات الهی و کم‌رنگ شدن عواطف انسانی نشانه اختلال روانی است که در اثر گناه حاصل می‌شود. انسان فطرتاً حق‌گراست و از عواطف انسانی برخوردار، از رنج و ناراحتی دیگران ناراحت می‌شود و فطرت وی هرچند به هیچ وجه گناه را بر نمی‌تابد، اما به مرور، وقتی چندبار مرتکب گناه شد در مراحل بعد نه تنها از ارتکاب گناه احساس پشیمانی نمی‌کند بلکه از آن خشنود هم می‌گردد و عواطف انسانی او نیز رفته رفته محو و نابود می‌شود همانگونه که در حدیثی از امام علی (ع) آمده: «اشک چشم‌ها نخشکد مگر به خاطر قساوت و سختی دل‌ها و دل‌ها سخت نشود مگر بخاطر گناهان بسیار» (۲۹).

**مسخ شخصیت:** گناه، ویژگی‌های شخصیتی افراد را به طور کامل

فرد مجدداً به سلامت روانی دست می‌یابد همانگونه که در روایتی از امام باقر (ع) آمده: «توبه کننده از گناه مانند کسی است که اصلاً گناه نکرده باشد» (۳۶).

### نتیجه گیری

از تحقیق حاضر می‌توان نتیجه گرفت: در علوم پزشکی در هر سه حوزه شناخت بیماری، پیشگیری و درمان آن با پذیرش دیدگاه الهی در موضوع چیستی انسان، دایره مطالعات مذکور فراتر از عوامل مادی و تجربی شامل عوامل غیرمادی و روحانی نیز می‌گردد و لذا با این پیش فرض علل بیماری فراتر از عوامل مادی، در برگیرنده عوامل غیرمادی نیز می‌گردد و نقش گناه و نافرمانی از دستورهای الهی و صفات رذیله اخلاقی در ایجاد برخی از بیماری‌ها و اثرگذاری رعایت اصول مذهبی و اخلاقی در حفظ و پایداری سلامت جسم به عنوان کالبد در برگیرنده روح، بررسی و اثبات گردید.

### References

- Al-Farahidi Kh. Kitab al-'Ayn. Vol 8. 2rd. Qom: Dar Al-hejrah. 1988; p: 190. [Arabic]
- Al-Hurr Al-'Amili M. [Wasā'il al-shī'a]. Vol 15. Qom: Al al-Bayt. 1993; p: 225. [Arabic]
- Ibn Abi I-Hadid H. Sharh Nahj al-balagha (Commentary on Nahj al-balagha). Vol 1. Qom: Mar'ashi Najafi Library. 1984; p: 319. [Arabic]
- Kulayni M. Al-Kāfi. Edited by Ghaffari A, Akhondi M. Vol 6. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1987; p: 435. [Arabic]
- Amidi A. Ghurar al-ḥikam. Edited by Rajai SM. Qom: Dar Al-Ketab Eslami. 1989; p: 455. [Arabic]
- Al-Najafi M. Jawāhir al-kalām fi sharḥ sharā'i' al-islām. Vol 13. 7rd. Beirut: Dar Ehya Al-torath Al-arabi. 1983; p: 305. [Arabic]
- Kulayni M. Al-Kāfi. Edited by Ghaffari A, Akhondi M. Vol 2. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1987; p: 276. [Arabic]
- Imam Khomeini R. Tahfīr al-Wasīla. Vol 1. Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing. 2000; p: 214. [Arabic]
- Modaresi SM. Tafsiro Hedayat. Vol 3. Mashhad: Astan Quds Razavi. 1998; p: 157. [Arabic]
- Al-Hurr Al-'Amili M. [Wasā'il al-shī'a]. Vol 5. Qom: Al al-Bayt. 1993; p: 547. [Arabic]
- Al-Hurr Al-'Amili M. [Wasā'il al-shī'a]. Vol 15. Qom: Al al-Bayt. 1993; p: 303. [Arabic]
- Reyshahri M. A Selection of Mizan al-Hikmah. Vol 2. Qom: Dar al-Hadith. 2008; p: 494. [Arabic].
- Al-'Allama Al-Majlisi MB. [Biḥār al-'anwār]. Vol 70. Beirut: Al Wafaa Foundation. 1982; p: 346. [Arabic]
- Kulayni M. Al-Kāfi. Edited by Ghaffari A, Akhondi M. Vol 2. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1987; p: 270. [Arabic]
- Shaykh Al-Saduq M. Al-Amali. Tehran: Ketabchi. 6rd. 1997; p: 499. [Arabic]
- Al-'Allama Al-Majlisi MB. [Biḥār al-'anwār]. Vol 73. Beirut: Al Wafaa Foundation. 1982; p: 342. [Arabic]
- Kulayni M. Al-Kāfi. Edited by Ghaffari A, Akhondi M. Vol 2. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1987; p: 446. [Arabic]
- Tabrisi F. Majma' al-bayān fi Tafsi'r al-Qur'ān. Edited by Tabatabai F, Rasuli H. Vol 8. Tehran: Naser khusraw. 1984; p: 628. [Arabic]
- Amidi A. Ghurar al-ḥikam. Edited by Rajai SM. Qom: Dar Al-Ketab Eslami. 1989; p: 640. [Arabic]
- Shojai M. Trust in God. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. 1994; p: 280. [Arabic]
- Rajabi S. [A Study on the Rate of Using the More Covering Veil among University Students and its Effect on their Happiness]. Journal of Shiite women. 2012; 7 (25): 7-26. [Article in Persian]
- Biababangard E. Methods of increasing self-esteem in children and adolescents. Tehran: Parent-teacher association. 5rd. 1997; p: 38, 75. [Persian]
- Ibn Shu'ba al-Harrani H. Tuhaf al-'uqul. Qom: Islamic Publications Office. 1984; p: 77. [Arabic]
- Al-Thaqafi I. Al-Gharat. Edited by Hoseini A. Vol 1. Qom: Dar Al-Ketab Eslami. 1989; p: 87. [Arabic]
- Allamah Tabatabai M. Tafsi'r Al-Mizan. Vol 2. Beirut: Al-'alami Foundation. 2rd. 1970; p: 224. [Arabic]
- Kulayni M. Al-Kāfi. Edited by Ghaffari A, Akhondi M. Vol 2. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1987; p: 268. [Arabic]
- Al-'Allama Al-Majlisi MB. [Biḥār al-'anwār]. Vol 70. Beirut: Al Wafaa Foundation. 1982; p: 377. [Arabic]
- Makarem Shirazi N. [Tafsi'r-i nimūna]. Vol 11. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1992; p: 420. [Persian]
- Al-Hurr Al-'Amili M. [Wasā'il al-shī'a]. Vol 16. Qom: Al al-Bayt. 1993; p: 45. [Arabic]

30. Kulayni M. Al-Kāfi. Edited by Ghaffari A, Akhondi M. Vol 2. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1987; p: 423. [Arabic]
31. Kulayni M. Al-Kāfi. Edited by Ghaffari A, Akhondi M. Vol 2. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1987; p: 444. [Arabic]
32. Al-Hurr Al-'Amili M. [Wasā'il al-shī'a]. Vol 15. Qom: Al al-Bayt. 1993; p: 210. [Arabic]
33. Mozafari Sh, Hadianfard H. [A review of happiness and its correlates]. Methodology of Social Sciences and Humanities. 2005; 10(41): 82-105. [Article in Persian]
34. Zarei Topkhaneh M & Others. [The Relationship of the Variables of Observing Hijab with Self-awareness and Sanity]. Psychology and Religion. 2014; 3(27): 81- 92. [Article in Persian]
35. Rajabi S. [A Study on the Rate of Using the More Covering Veil among University Students and its Effect on their Happiness]. Journal of Shiite women. 2012; 7 (25): 7-26. [Article in Persian]
36. Kulayni M. Al-Kāfi. Edited by Ghaffari A, Akhondi M. Vol 2. Tehran: Dar Al-Ketab Eslami. 1987; p: 435. [Arabic]